

جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسله ساسانی

دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۲

پذیرش نهایی: ۹۶/۷/۲۲

DOI: 10.29252/geores.32.4.175

چکیده

ریشهر نام بندر باستانی است که در کناره آب‌های گرم خلیج فارس قرار دارد این بندر که امروز قسمتی از قلمرو جغرافیایی استان بوشهر است، در ادوار قدیم تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. در آثار و کتیبه‌های به‌جامانده به این منطقه با عناوینی چون لیان، بوخت اردشیر، ریوآردشیر و سرانجام ریشهر اشاره شده است. این منطقه در طول عهد باستان نه فقط به لحاظ جغرافیایی و استراتژیکی بلکه به لحاظ اقتصادی و فرهنگی نیز از جایگاه ویژه‌ای در حیات ایران باستان برخوردار بوده است. با سقوط سلسله ساسانی ریشهر نیز مرکزیت و اهمیت خود را در جغرافیای خلیج فارس از دست داد و پس از آن در منابع جغرافیایی به‌ندرت به آن اشاره گردیده است. در این مقاله ضمن بررسی اهمیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و تجاری ریشهر در عهد باستان به بررسی علل افول این بندر در جریان سقوط سلسله ساسانی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: جغرافیای تاریخی، ریشهر، عهد باستان، سلسله ساسانی.

مقدمه

سواحل خلیج فارس یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن جهان است. در طول تاریخ شهرهای بندری متعددی در این منطقه ایجاد شدند. شهرهایی که علاوه بر تسهیل ارتباطات تجاری و بازرگانی هر کدام نماد تحولات و پیشرفت برهه‌ای از تاریخ خلیج فارس بودند. از جمله این شهرهای بندری ساحل خلیج فارس، شهر قدیمی و باستانی ریشهر بود. این شهر حدوداً در ۱۲ کیلومتری سمت جنوب شبه‌جزیره بوشهر واقع شده است. سابقه تاریخی درخشان آن بانام «لیان» به دوره عیلام بازمی‌گردد. این منطقه باستانی با گذراندن فراز و فرودهایی، مجدداً در دوره ساسانیان در زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بانام «ریشهر» ظهور می‌کند. این بندر در دوره ساسانی یکی از مراکز مهم صدور مروارید خلیج فارس به هندوستان و آفریقا به شمار می‌رفته است؛ اما پس از هجوم سپاه اسلام و فتح آن توسط مسلمانان، به مدت چند قرن تاریخ آن در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود. اگرچه ریشهر به‌عنوان نقطه‌ی سوق‌الجیشی در خلیج فارس از دیرباز از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ اما کمبود و فقر منابع، پژوهشی پیوسته و منسجم درباره تاریخ این منطقه در دوره‌ای خاص و محدود را با دشواری روبرو ساخته است. بر همین اساس این پژوهش بر آن است، تا سیر جغرافیای تاریخی بندر مهم و استراتژیکی ریشهر از ایران باستان تا ورود اسلام و سپس افول این شهر بندری را مورد بررسی قرار دهد.

تحولات جغرافیایی بندر ریشهر از عهد باستان تا دوره هخامنشی

جستجو در منابع گویای آن است که منطقه جغرافیایی که در دوره ساسانی به عنوان ریشهر در اکثر منابع بدان پرداخته شده است. برای نخستین بار در عهد باستان به عنوان لیان بدان اشاره شده است. استفاده از نام «لیان» جهت قدیمی ترین ناحیه شهر بوشهر به دوره عیلامی ها بازمی گردد. به لحاظ جغرافیایی به نظر می رسد، که لیان در مناطق مرکزی و متمایل به جنوب شبه جزیره بوشهر کنونی یعنی سبز آباد، دستک، رایانی قرار داشته است. با این حال با توجه به فقر منابع تعیین موقعیت دقیق لیان و وسعت اولیه و مناطق تحت سیطره آن، هنوز کاملاً روشن نیست. برخی از مورخان معتقدند که منطقه لیان در ناحیه جنوب شرقی و در کناره های ساحلی خلیج فارس امتداد داشته و مرکز اصلی آن شبه جزیره کنونی بوشهر بوده است. (گریشمن، ۱۳۶۶: ۳۹)^۱ به عبارتی دیگر می توان گفت که قدیمی ترین نام قسمتی از شبه جزیره در طول تاریخ که امروزه ما از آن اطلاع داریم، احتمالاً «لیان» بوده است. قبل از کاوش های باستان شناسی در اوایل قرن بیستم نقش شهری به نام لیان در تاریخ عیلام ناشناخته بود. اما بر اساس حفاری های باستان شناسی موریس پزار فرانسوی در سال (۱۹۱۳م) در نواحی «تل پی تل»، «آ»، امامزاده و سبز آباد حدس زده شد، که در عصر عیلامی ها این منطقه شبه جزیره، «لیان» نامیده می شده است. وی موفق به کشف سنگ نوشته هایی شد، که نام «لیان» بر آنها حک شده بود. این سنگ نوشته ها متعلق به پادشاهان معروف عیلامی نظیر «هومبان - نومنا» «شوتروک ناهونته» و «شیلهاک - این شوشیناک» بود (یا حسین، ۱۳۸۷: ۱۹)

درباره معنی کلمه «لیان» حدس و گمان هایی زده شده است؛ نظیر: اینکه کلمه لیان در اصل واژه ای است بابلی، به معنای «آفتاب درخشان» که از بین النهرین وارد حوزه تمدنی عیلام شده است. و یا اینکه «لیان» به معنی آفتاب درخشان و تابان و به معنی فروغ و روشنایی آینه هم هست (حمیدی، ۱۳۸۰: ۵۷۹) همچنین برخی لغت شناسان نیز «لیان» را به معنی مشعشع و درخشان ذکر کرده اند. (معین، ۱۳۷۴: ۳۶۶).

تحول اسمی و جغرافیایی ریشهر (لیان) از دوره هخامنشیان تا دوره ساسانی:

بر اساس شواهد و مدارک، محدوده جغرافیایی لیان در عصر هخامنشیان، جزء ساتراپ نشین (استان) پارس محسوب می شده است. چرا که با دست یابی کوروش بر سرزمین عیلام، لیان نیز به عنوان بخشی از این سرزمین، به تصرف هخامنشیان درآمد. اهمیت این واقعه از آن بود که با شکست عیلام و دسترسی هخامنشیان به خلیج فارس در جنوب فلات ایران، پارسیان نخستین بار به دریا دست یافتند. (نبی پور، ۱۳۸۲: ۲۰)

کوروش در اواخر عمر خود دستور ساخت، یک کاخ باشکوه در کرانه های شمال خلیج فارس را صادر کرد. این کاخ، که در مراحل اولیه ساخت آن احتمالاً به دلیل مرگ کوروش متوقف شد، در منطقه «چرخاب» دشتستان قرار داشت که این ناحیه از توابع استان بوشهر امروزی می باشد. اگرچه این کاخ در حال حاضر در سی کیلومتری خلیج فارس قرار دارد اما در دو هزار و پانصد سال قبل، احتمالاً کنار خلیج فارس و در محدوده قلمرو عیلامی ها قرار داشته است. علت این فاصله نیز طی قرون و اعصار به دلیل عقب نشینی دریا و آبرفت های فراوان آن بوده است. (سرفراز، ۱۳۸۳: ۳) اگرچه هنوز باستان شناسان در باب نام این منطقه در عصر هخامنشی به پاسخ صریح و دقیقی دست نیافته اند، اما اگر توجه داشته باشیم، که جنوب غربی ایران و قلمرو سنتی عیلام، در عصر هخامنشی نیز کم و بیش به حیات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی خود ادامه می داده است؛ می توان حدس هایی در این باره زد.

جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسله ساسانی ۱۷۷

درواقع به نظر می‌رسد مقدمات تغییر نام لیان به ریشهر برای نخستین بار در همین دوره هخامنشیان مهیا شده است. در این جهت برخی باستان‌شناسان از جمله موریس پزار مورخ و باستان‌شناس فرانسوی بر این باورند، که در دوره هخامنشی این منطقه به نام "ریشا" خوانده می‌شده است. پزار معتقد است که کلمه ریشا از کی.ری.ری.شا (الهه موردستایش در این ناحیه) گرفته شده است. (پزار، ۱۳۸۴: ۴۵)

سقوط سلسله هخامنشیان توسط اسکندر مقدونی، مرحله دیگری در تغییر نام منطقه لیان بود. چنانکه در این دوره در منابع با اسامی یونانی نظیر: مزامباریا، یوناخا، انطاکیه و کرسونئوس به این منطقه اشاره شده است. اسکندر در جریان کشورگشایی‌هایش بران شد که از کرانه سند به دریای پارس برود. آنگاه جهازاتی تحت فرماندهی امیرالبحر خود بنام نئارخوس^۱ یا نئارک^۲ را برای شناسایی کرانه‌های خلیج فارس به آن نواحی اعزام کرد (گریشمن، ۱۳۷۵: ۲۴۸). اسکندر هنگام عزیمت نئارخوس خدای دریاها را نیایش کرد و از او چنین خواست: «ای خدای قادر، دریانوردی نئارک را در دریای پارس تا مصب دجله حمایت کن، و او را سالم بازگردان» (اقتداری، ۱۳۴۴: ۴۸). در حقیقت مأموریت نئارخوس شناسایی سواحل، لنگرگاه‌ها و دیدار از شهرهای دریایی طول مسیرش بوده است. نئارخوس سرتاسر بخش ساحلی استان فعلی بوشهر و برخی دیگر از مناطق را گشت و ماحصل مشاهداتش را در سفرنامه‌ای به زبان یونانی نگاشت. نئارخوس در سفرنامه خود تصریح می‌کند، که از زمان باستان بین سواحل خلیج فارس و هندوستان ارتباط و دادوستد برقرار بوده است، اما همواره جنگ و جدال و زدو خورد هم در خلیج فارس رونقی داشته است. (رکن زاده آدمیت، ۱۳۶۹: ۱۵۲) وی همچنین اشاره می‌کند که هیچ‌یک از سواحل که پیمودم مانند سواحل خلیج فارس پر کشت و زرع نیست. عطر و ادویه از عربستان، از راه دریای پارس می‌آوردند و به بابل می‌بردند. در سفرنامه نئارخوس ضمن اشاره به منطقه لیان با عنوان "مزامباریا" (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۸) گفته شده که این منطقه هم از نظر تجاری، فرهنگی و هم کشاورزی از رونق قابل توجهی برخوردار بوده است (مستوفی، بی تا: ۵۴).

در دوره سلوکیان در کنار شهرهای متعددی که در ایران و کناره‌های خلیج فارس ساخته شد، شهری نیز در مکان ریشهر سابق و یا در کناره آن بنا شد که از آن در منابع بنام انطاکیه یاد کرده‌اند. در این مورد یکی از مورخان یونانی بنام «پلین» نوشته، که در جنوب و نزدیک خلیج فارس، اسکندر چند شهر ساخت که یکی از آن‌ها «انطاکیه خاراکس»^۳ بوده است. (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۲۱۱۳ و دیاکونوف، ۱۳۸۲: ۱۸۸)

رومن گریشمن نیز بر این باور است، که «انطاکیه» همان شهر ساخته شده در شبه جزیره بوشهر بود. او در این باره می‌نویسد: «از سوی دیگر بنادری در ساحل دریا برای آنان لازم بود. سلوکیان کمتر از نه شهر در ساحل خلیج فارس بنا کردند و از آن جمله است انطاکیه در پارس - بوشهر امروز - که جانشین شهر کهن عیلامی گردید» (گریشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۲). همچنین در برخی متون، از شهری به نام «یوناخا» سخن رفته و برخی سعی کرده‌اند آن را با بندر ریشهر منطبق کنند (یا حسین، ۱۳۸۷: ۳۱). سید جعفر حمیدی در «فرهنگ‌نامه بوشهر» از نام یونانی یوناخا برای ریشهر نام برده است؛ وی همچنین در کتاب «استان زیبای بوشهر» در این باره می‌نویسد:

«در ساحل خلیج فارس نیز [سلوکیان] نه شهر را بنا کردند، که می‌توان گفت: مهم‌ترین آن‌ها شهری بوده، که در منطقه بوشهر امروز به نام «یوناخا» تأسیس کردند، که در حقیقت این شهر جانشین «لیان» عیلامی بود، و ایسیدروس مورخ خاراکسی قرن اول

1 Nearchus

نئارخوس از نزدیکان و دوستان قدیمی اسکندر به شمار می‌رفت و اسکندر بی‌جهت مقام دریاسالاری سپاهانش را به وی بخشیده بود. او در کرت (۳۰۰-۳۶۰ ق.م) چشم به جهان گشود. در مقدونیه رشد یافت... او پس از به قدرت رسیدن اسکندر، در لشکر کشتی به امپراطوری هخامنشی وی را همراهی کرد؛ و بعدها به مقام دریاسالاری اسکندر رسید. او مأموریت یافت، تا به شناسایی سواحل، لنگرگاه‌ها و شهرهای ساحلی طول مسیرش بپردازد. اسکندر برای تقدیر از کار او در شوش نیم تاجی زرین بر سر او گذاشت. (کیاراد و علی بابائی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶: ۹۶)

2 Neargue

3 Antiochede Chara



میلادی نیز از این شهر نام برده است. این شهر از جمله نه شهری بود، که سلوکیان در پارس مخصوصاً در سواحل خلیج فارس بنا کرده بودند، بیشتر این شهرهای سلوکی دارای قلعه‌هایی بودند، که ساکنان یونانی شهرها در هنگام خطر به آن‌ها پناه می‌بردند. «حمیدی، ۱۳۸۴: ۳۹؛ حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۰».

برخی از جغرافی‌نویسان نیز واژه یونانی «کرسونئوس» را نام دیگری برای بندر ریشهر دانسته‌اند که در همین دوره سلوکی متداول بوده است. از جمله محمدحسنمان اعتمادالسلطنه که در کتاب خود تحت عنوان «تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید»^۱ به این نکته است. وی در این اثر درباره تطبیق «کرسونئوس» با ریشهر می‌نویسد:

«کرسونئوس: اسم بندر ریشهر است که در پهلوی بندر بوشهر می‌باشد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۸۲۳)

پس از گذار از دوره سلوکی و رسیدن به دوره اشکانی علی‌رغم اهمیت سواحل خلیج فارس و به طبع آن منطقه ریشهر، نام این منطقه، در منابع جغرافیایی این دوره ذکر نگردیده است. حتی در نقشه‌هایی که از عصر پارت‌ها، توسط مورخان عصر جدید، رسم شده به جز نام «خاراگس»^۲ (منطقه‌ای در شمال خلیج فارس) هیچ نام دیگری در حوزه کرانه‌های شمالی خلیج فارس نیامده است (کالج، ۱۳۸۰: ۱۴). به نظر می‌رسد که در این دوره توجه خاصی نسبت این منطقه مبذول نشده است. شاید این نیز نشان از رکود رونق اقتصادی ریشهر در این دوره باشد. به نظر می‌رسد که در حدفاصل سلطه سلوکیان تا بلاش اول، علیرغم سکوت منابع احتمالاً نام‌های یونانی چون مزامباریا، یوناخا یا کرسونئوس در باب منطقه لیان همچنان رایج بوده، و در عصر بلاش اول و به دنبال سیاست هلنیسم‌زدایی از تاریخ و فرهنگ ایران، شاید نام هخامنشی «ریشا» مجدداً رواج پیدا کرده باشد. در دوره ساسانیان بار دیگر شرایط جهت شکوفایی مجدد ناحیه لیان یا ریشا و ظهور کامل نام ریشهر و تطبیق آن بر قسمتی از استان بوشهر کنونی فراهم شد. حمدالله مستوفی درباره ریشهر و «تجدید بنای» آن توسط اردشیر بابکان، در نزهت‌القلوب نوشته است:

«زیضهر، پارسیان آن را ریشهر خوانند، و بر بیان (بریان، بریان) معروف است، لهراسب کیانی ساخت و شاپور بن اردشیر بابکان تجدید عمارتش کرد» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۰).

موسی خورنی نیز در کتاب «شهرستان‌های ایران» درباره نام این منطقه در عصر ساسانیان نوشته است:

«پارس که «کوست نیمروز» نامیده می‌شود، در قسمت شرقی خوزستان و مجاور سرزمین ماد قرار دارد. دارای استان‌های کوچکی است، و نیز دارای رودخانه‌ها و جزایر بسیار و شهرهای متعدد است. از جمله می‌توان از «ری شیرپهرسن»^۳ نام برد که در آنجا مرواریدهای فراوان و «مرواریدهای سنگ میزان» بسیار وجود دارد (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۳۳). بر این اساس موسی خورنی با صراحت نام این شهر را در عصر ساسانیان «ری شیرپهرسن» دانسته است. پروفیسور یوزف مارکوارت درباره معنای این کلمه نوشته است: «ری شیرپهرسن» در پارسی «ریشهر پهرسان (شهر نگهبان) با پسوند: - سان» به جای ستان، به معنای «ایستگاه گمرک» است. در واقع در اینجا منظور شهری است که اعراب آن را «ریشهر» می‌نامند. این شهر در اصل «ریو - اردشیر» بود که در نزدیکی «توج» قرار داشت و ویرانه‌های آن در بوشهر کنونی قرار دارد (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۴۶).

۱. دُرّ التیجان فی تاریخ بنی اشکان

موقعیت سیاسی، تجاری و فرهنگی ریشهر (لیان) در دوره عیلام

حکومت عیلام یکی از دوره‌های تاریخ پرفرازونشیب ایران، پیش از ورود اقوام آریایی، در سرزمین‌های غرب و جنوب غربی ایران بوده است. منطقه عیلام از مجموعه نواحی مختلف از جمله منطقه شیریهوم تشکیل شده بود. وسعت جغرافیایی این ناحیه از حدود بندر دیلم (در منتهی الیه شمال استان بوشهر) تا نواحی جنوبی استان بوشهر کنونی بود، و از شرق تکیه‌بر دامنه‌های غربی کوه‌های زاگرس جنوبی داشت. این ناحیه با مرکزیت شهر لیان (ناحیه‌ای از بوشهر کنونی) از جنبه‌های مختلف مذهبی، تجاری و نظامی حائز اهمیت بوده است (پزار، ۱۳۸۴: ۱۰).

به‌طور کلی مملکت عیلام شامل خوزستان، لرستان، پشت کوه و بخشی از پارس یعنی انشان یا انزان بود؛ که از شمال به حدود کرمانشاه، از غرب به دجله و از جنوب در سواحل خلیج فارس به لیان یعنی ناحیه‌ای از بوشهر کنونی می‌رسید (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۳۰). دوره درخشان و جلوه‌گری تمام‌عیار لیان مربوط به عیلام میانه یا عصر طلایی عیلام می‌باشد (۱۴۵۰-۱۱۲۰ ق.م). در این دوره دو سلسله بنام، ایگ هلگی (۱۳۵۰-۱۲۱۰ ق.م) و شوتروکی (۱۲۰۵-۱۱۱۰ ق.م) به قدرت رسیده‌اند. اسناد و کتیبه‌هایی که از این دو سلسله بر جای باقی مانده، نشان‌دهنده توجه خاص پادشاهان این دوره از تاریخ ایلام به لیان می‌باشد و کمتر پادشاهی بود که وقف یا تعمیراتی در پرستشگاه شهر لیان نکند و یا کتیبه‌ای در این زمینه در لیان به یادگار نگذارد (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۶).

شیلک این شوشینک از پادشاهان سلسله شوتروکی کتیبه‌ای در لیان به یادگار گذاشته که در جریان کاوش‌ها و حفاری‌های موریس پزار در بوشهر کشف گردید. در اواخر دوره عیلام میانه احتمالاً منطقه لیان، دیگر در اختیار پادشاهان عیلام نبوده، زیرا در هیچ‌یک از آجرهای کتیبه دار ذکر لیان نمی‌شود (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۲۷). به نظر می‌رسد این مسئله به‌منزله تصرف لیان به‌وسیله یک دولت خارجی نبود، بلکه از آن جایی که این پادشاهان به‌طور دائم درگیر جنگ با پادشاهان زورمدار آشوری و بابلی بودند، در این برهه کمتر توانستند به مناطق جنوبی قلمرو امپراطوری به‌ویژه شیریهوم و لیان توجه نمایند.

با پایان یافتن سلطنت شوتروکی‌ها، دوره عیلام نو (۷۴۰ - ۶۴۰ ق.م) که در حقیقت واپسین دم حیات سیاسی عیلام می‌باشد، شروع می‌شود. در این دوره در مورد لیان و نقش آن در تاریخ عیلام اطلاع چندانی نداریم زیرا هیچ کتیبه و گل نوشته‌ای در این منطقه به دست نیامده است (اکبری، ۱۳۸۱: ۲۳). به‌این ترتیب سلسله عیلام نو توسط آشوربانی پال منقرض شد و حیات سیاسی عیلام برای همیشه خاتمه یافت و به دنبال آن شیریهوم و لیان هم تمام خاطرات خود را در دل خویش خاموش نگه داشته شد و دیگر در تاریخ ایران به این نام ظاهر نشدند. به‌طور کلی با توجه به اوضاع سیاسی عیلام چنین به نظر می‌رسد که لیان در ادوار مهم تاریخ عیلام از جهات مختلف مورد توجه سلسله‌های مختلف تاریخ عیلام بوده است. سلاطین این سلسله‌ها همواره سعی در نگاهداری و حکمرانی آن داشته‌اند. به همین دلیل است که کتیبه‌های متعددی از پادشاهان عیلام در این منطقه به‌دست آمده است.

اهمیت دیگر لیان در دوره عیلام به لحاظ اقتصادی بود. نام بندری لیان در تمام متونی که در معبد «کی.ری.ری.شا»^۱ در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی در بوشهر به‌دست آمده است به چشم می‌خورد. قرار گرفتن یکی از مهم‌ترین معابد عیلامی در کرانه‌های خلیج فارس، می‌تواند نشان از رونق و رواج تجارت دریایی در هزاره سوم و دوم ق.م در این منطقه باشد. (وثوقی، ۱۳۸۷: ۲۶) در حقیقت لیان یا بوشهر امروزی در ساحل شمالی خلیج فارس می‌توانست برای عیلامی‌ها پایگاه دریایی مناسبی باشد. با توجه به مشاغل موجود در مناطق بندری می‌توانی حدس زد که شغل‌های متعدد از قبیل کشاورزی، در لیان بوده که موجب رونق تجارت در این ناحیه شده است. در بخش داخلی لیان که داخل شبه‌جزیره و اطراف آن وجود داشته و یا صیادی و ماهیگیری در حاشیه ساحلی و بخشی هم به تجارت با کرانه‌های جنوبی و هندوستان فعالیت داشته‌اند (اداره فرهنگ و هنر استان بوشهر، ۱۳۵۶: ۳). در این بندرگاه همچنین کشتی‌های کوچک و بزرگ پهلو می‌گرفته‌اند. دولت عیلام از طریق این بندر، کالاهای و مواد مورد نیاز خود را صادر و وارد می‌کرد و از موقعیت مناسبی جهت ارتباط و دادوستد با همسایگان از جمله بین‌النهرین برخوردار بوده است.



از جمله مواردی که از این بندر به سوی بابل صادر می‌شد، سنگ قیمتی «دیوریت^۱» و کانه‌های فلزات گران‌بها از ساحل خلیج فارس بوده است (کامرون، ۱۳۶۵: ۲۸). علاوه بر آن، بندر لیان بر سر راه دریایی شوش به موهنجودارو^۲ در هندوستان قرار داشته و از مراکز آباد آن زمان به شمار می‌رفت. چنانکه برخی معتقدند که بندر لیان به احتمال قدیمی‌ترین بارانداز سواحل ایران در خلیج فارس نیز محسوب می‌شده است (رائین، ۲۵۳۶: ۷۶).

در زمینه نقش فرهنگی لیان در تمدن عیلام قابل ذکر است که در سال ۱۹۱۳ م گروه باستان‌شناسی به سرپرستی موریس پزار به بندر بوشهر آمد. در سال ۱۹۱۴ م حاصل پژوهش‌ها و حفاری‌های خود را در شهر لیان در کتابی به زبان فرانسه منتشر کرد. از جمله لوحه‌های آجری که پزار کشف کرد نوعی الفبای اکدی - سومری به زبان عیلامی بود. ظاهراً اولین نمونه این الفبا در شهر لیان کشف شده و این نشان می‌دهد که کاتبان لیانی سهم بزرگی در ابداع خط و الفبای عیلامی داشته‌اند. حکاکان لیانی خط تصویری را از اکدی‌ها و سومری‌ها اخذ کرده‌اند، ولی به همین تقلید صرف اکتفا نکردند. آن‌ها خط تصویری سومری را تکامل بخشیدند، آن را هجایی کردند و تا مرز خط میخی پیش بردند. بنابراین لیان را باید پیش‌تاز ابداع خط میخی در عصر عیلام به شمار آورد. نقشی که در تاریخ تحول و تکامل خط در ایران زمین منحصر به فرد و یگانه است (یا حسینی، ۱۳۸۶: ۲۹). والتر هینتس درباره تاریخ کتابت کتیبه‌های عیلامی به خط میخی که از اکدی بابلی اقتباس شده، چنین می‌گوید: «تاریخ کتابت کتیبه‌های عیلامی به خط میخی به میانه قرن‌های شانزدهم تا هشتم قبل از میلاد می‌رسد که قدیم‌ترین نوع آن در قسمتی از سنگ‌نوشته کشف شده در «لیان» شهر باستانی عیلام نزدیک ریشهر واقع در کناره خلیج فارس، نشان داده شده است (هینتس، ۱۳۷۱: ۴۲).

بنابراین کاتبان عیلامی و لیانی از فرهنگ نوشتاری پیشرفته‌ای برخوردار بودند و نه تنها آریائی‌ها را با خط و کتابت آشنا کردند بلکه در زمان داریوش برای آریایی‌ها و پارس‌ها خط نوشتاری جدید (میخی) ابداع و اختراع نمودند (بویس، ۱۳۷۴: ۱۸). عیلامی‌ها کاتبان خود را «ته پیر»^۳ می‌نامیدند. همین واژه در عصر هخامنشیان وارد زبان فارسی قدیم شد. «دبیر» در امپراطوری عیلام کسانی که سمت «ته پیر» را عهده‌دار بودند، قاضی نیز بودند. صدراعظم به‌طور مستقیم و زیر نظر شاه بر امور کاتبان و دبیران نظارت سخت گیرانه‌ای اعمال می‌کرد (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۰۱). همچنین به نظر می‌رسد که شهر باستانی لیان نیز آرشیو و کتابخانه بزرگی داشته است. لیانی‌ها مطالب خود را معمولاً روی آجرهای مخصوص یا سفال می‌نوشته‌اند و سپس آجرها و سفال‌ها را حرارت داده و می‌پخته‌اند. در کتابخانه باستانی شهر لیان هزاران آجر نوشته و لوح مربوط به عصر پادشاهان عیلامی در قرون و اعصار مختلف، نگاهداری می‌شده است. بخش بسیار اندکی از این آرشیو در مهر و موم‌های ۱۸۷۶ م و ۱۹۱۳ م توسط «اف. سی. آندریاس» و «موریس پزار» کشف و به اروپا منتقل شد، اما قسمت اعظم آن دست‌نخورده در تپه‌های باستانی اطراف ریشهر باقی ماند (یا حسینی، ۱۳۸۴: ۳).

در پایان این مبحث قابل ذکر است که شهر لیان تا زمان پادشاهی شیلهاک - اینشوشیناک جزء قلمرو عیلامیان محسوب می‌شد. اما با روی کار آمدن «هوته لودوش - اینشوشیناک» در ۱۱۵۰ ق.م شهر لیان به دست بابلی‌ها افتاد و جزء قلمرو پادشاهی آنان شد (کامرون، ۱۳۶۵: ۹۸). کشمکش بر سر حکمرانی این شهر چندی ادامه داشت و چند بار با عیلام دست‌به‌دست شد تا سرانجام نبود که نصر یکم (بخت‌النصر) در حمله‌ای گسترده و وسیع عیلام و شهر تاریخی لیان را با خاک یکسان کرد و همه مردمان آن را از دم تیغ گذراند. معبد و پرستشگاه کی.ری.ری.شا را غارت و نابود کرد و هر چه بود را به تلی از خاک مبدل کرد. چنانکه به قولی «وی سرزمین عیلام را تسخیر کرد و دارایی آن را غارت کرد. وی دشت و کوه را از ویرانی انباشت و به بیابان مبدل ساخت» (کامرون، ۱۳۶۵: ۱۰۱).

1 Diorite

۳. واژه مؤئن به زبان سنندی به معنی مردگان و کلمه دارو به معنی تپه بوده، ترجمه مهانجودار و تپه مردگان است. (ویلسون، ۱۳۸۴: ۴۸)

2 Teppir

موقعیت سیاسی، تجاری و فرهنگی ریشهر از ظهور هخامنشیان تا سقوط سلسله ساسانی

بندر ریشهر در زمان هخامنشیان مرکزی برای سیادت و حکمرانی و پایگاهی برای حفظ امنیت و استقرار روابط سیاسی و اقتصادی در آن زمان بود. اهمیت این منطقه در دوره هخامنشی چنان بود که پادشاهان این سلسله کاخ‌های در این منطقه بنا کردند. آثار این کاخ‌ها در ضمن عملیات کاوش در این منطقه به دست آمده است. از جمله این آثار تالار ستون‌داری است شامل ۱۲ ستون، در دو ردیف ۶ تایی که از دو نوع سنگ سفید و سیاه‌رنگ ترکیب شده است، و از این لحاظ قابل مقایسه با کاخ اختصاصی کوروش در پاسارگاد، پایتخت او می‌باشد (سرفراز، ۱۳۸۱: ۱۱). آنچه مسلم است ساخت کاخ در این منطقه توسط پارس‌ها و شاهان هخامنشی نشان از توجه خاص آن‌ها به قلمرو جنوبی خود در خلیج فارس دارد؛ و قطعاً این منطقه نیز برای آنان از اهمیت استراتژیکی خاصی برخوردار بوده است، که دولت هخامنشی کاخ پادشاهان خود را در مناطق نزدیک به شبه‌جزیره مستقر می‌کرده‌اند. چراکه خلیج فارس از زمان‌های بسیار قدیم مرکزی برای بازرگانی دریایی میان شرق و غرب محسوب می‌شد. در واقع پس از این که سواحل خلیج فارس تحت تسلط مستقیم پارسیان درآمد، مبادلات دریایی نیز رونق قابل توجهی گرفت. (بریان، ۱۳۷۹: ۱۵۸۰)

از طرف دیگر، ایجاد راه دریایی ارتباطی میان مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس و دیگر اقدامات داریوش همچون فرستادن دریاسالاری بنام اسکیلکس^۱ به سفر اکتشافی هند (۵۱۸ ق.م) باعث شد، تا خلیج فارس و بنادر و سواحل آن در توسعه بازرگانی این دوره اهمیت ویژه‌ای بیابد (داندا مایف، ۱۳۵۸: ۴۷).

بدین ترتیب هخامنشیان از همین ناحیه ساحلی خلیج فارس با هندوستان، شام و فلسطین، مصر و شمال آفریقا در تماس بوده‌اند. که این نشان از اهمیت اقتصادی این بندر تاریخی به عنوان مدخل تجاری امپراطوری هخامنشی در حوزه خلیج فارس و ارتباط با حوزه جنوبی خلیج فارس و هندوستان و شمال آفریقا بوده است. همچنین این منطقه از اهمیت سیاسی نیز برخوردار بود. از همین رو پادشاهان هخامنشی تأسیسات مسکونی و تفریحی در منطقه دشتستان برای کنترل مستقیم بر خلیج فارس ایجاد کرده بودند. علاوه بر این موقعیت استراتژیکی و نظامی ریشهر در سواحل خلیج فارس و سواحل مستعد آن جهت پهلو گرفتن کشتی‌ها نقش مهمی در تسهیل لشکرکشی‌های دریایی هخامنشیان و تجدید قوا توسط آن‌ها ایفا می‌نموده است، در زمان هخامنشیان در همه امور، به ویژه نیروی دریایی ایران دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی در راه تکامل و پیشرفت پدیدار گردید و در مدتی کوتاه، قدرت پایداری که تمام خاورمیانه و آفریقای شمالی را در برداشت با نیروی دریایی ارزنده‌ای به وجود آمد. ... همچنین شهریاران هخامنشی به ویژه داریوش بزرگ و خشایار شاه ارزش تسلط ایران را بر دریاها و پیوستن کشور را از راه دریا به هند و مصر می‌دانستند و در این راه گام‌های بلندی برداشته بودند؛ چراکه هخامنشیان به خوبی دریافته بودند، که ایران برای نگهداری و پاسداری از سرزمین‌های پهناور خود باید به دریاها فرمانروایی داشته باشند. بنابراین نیروی دریایی نیرومند بر پایه‌های استوار و شایسته آن عصر بنیاد نهادند (امام شوشتری، ۱۳۶۹: ۱۲۲).

به دلیل فقر منابع و متون تاریخی و حفاری‌های باستان‌شناختی، مورخ امروزی هنوز به درستی نمی‌تواند، درباره وضعیت تعلیم و تربیت و فرهنگ نوشتاری این منطقه در عصر هخامنشیان سخن بگوید. اما بر اساس اسناد و مدارک ناقص و پراکنده می‌توان گفت: که در این منطقه از جنوب فلات ایران خط و کتابت مرسوم بوده؛ و تعلیم و تربیت رواج محدودی داشته است (یاحسینی، ۱۳۸۶: ۵۵).

در دوره سلوکیان نیز ریشهر به عنوان بندری از سواحل پروتوق خلیج فارس همچنان مورد توجه بوده است. چنانکه در این دوره ارتباط دریایی میان بنادر و سواحل خلیج فارس و هندوستان و شرق پیوسته دایر بوده است و ریشهر نیز از جریان رونق تجاری



خلیج فارس برخوردار بوده است. برخی محققان معتقدند که از نتایج طبیعی وجود شهری یونانی‌نشین در شبه‌جزیره بوشهر رواج خط و زبان یونانی در این برهه بوده است (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۱۱۴). در این دوره خلیج فارس، همچنان از موقعیت قابل توجهی برخوردار بود؛ و تسلط بر این نقطه و راه‌های آبی آن نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط ایران و روم ایفاء می‌کرد. چنانکه در این دوره پارتیان توانمندانه، راه نفوذ رومیان را در خلیج فارس گرفته بودند و اجازه نمی‌دادند، جز ایرانیان مردم دیگری بر خلیج فارس، که حکم دریای داخلی اشکانیان را داشت نفوذ کنند (رائین، ۲۵۳۶: ۲۲۹).

برخی مورخان معتقدند، که در دوره پارتیان و شاید حتی پیش‌تر از آن، بخشی از بازرگانی دریای خلیج فارس از طریق شبه‌جزیره بوشهر (ریشهر) که در کتاب بطلمیوس ذکر شده به گور (در استان فارس) می‌رسید و از آن جابه‌جایی دیگر انتقال پیدا می‌کرد (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۵۳). از طرف دیگر کشف انبوهی از تکه سفال‌های دوران اشکانی، در کنار دیوار غربی ساحل بوشهر و گورستان پارتی لیان که در انتهای دیواره حصار قلعه ریشهر وجود دارد، مبین آن است، که در روی لایه باستانی عیلامی، لایه یک شهر پارتی قرار داشته است (نبی پور، ۱۳۷۹: ۳). علاوه بر این یافته شدن یک ته ستون شگفت‌انگیز در کنار گورستان شغاب، در شن‌های ساحل دریا که در زیر بقایای ساختمان‌های سنگی و گچی جای گرفته است، نیز می‌تواند بیانگر وجود یک معبد پارتی در این مکان باشد. این ته ستون در ابتدای یک اسکله باستانی جای دارد؛ که این اسکله به‌منظور پهلوگیری کشتی‌های پارتی از سنگ‌های بزرگ منظمی ساخته شده بود، که نقش موج‌شکن بندر را ایفاء می‌کرده است.

با توجه به یافته‌های فوق به نظر می‌رسد، که بندر ریشهر یکی از بنادر فعال دوره پارتیان بود، که نه تنها با منطقه جنوب شرقی ایران و مناطق ساحلی خلیج فارس، بلکه با هندوستان و بین‌النهرین ارتباط تنگاتنگی داشته است.

از لحاظ اقتصادی تمایل زیاد شاهان ساسانی جهت ساخت شهر - بندرهای متعدد در سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس^۱ بیان‌کننده علایق نیرومند اقتصادی آنان برای کسب درآمد بازرگانی خارجی در مسیرهای آبی است.

منازعات ساسانیان با امپراطوری روم شرقی که عمدتاً به دلیل کنترل بر جاده ابریشم و به‌ویژه بر سر مسئله ارمنستان صورت می‌گرفت، باعث شد در اواخر دوره ساسانی، رونق تجارت در جنوب از اعتبار بیشتری برخوردار گردد. به همین دلیل بندر خلیج فارس نقش ویژه‌ای را در تجارت غرب و شرق ایفاء نمودند. (دریایی، ۱۳۸۴: ۴۷).

بنابراین حکومت ساسانی با قدرت سیاسی، نظامی و دریایی خویش و اقتدار ناشی از عظمت و شکوه فرهنگ و تمدن ایرانی در آن عهد، با ایجاد و بسط امنیت دریایی و تجاری که مهم‌ترین رکن در جوامع تجاری و ساحلی به شمار می‌رود، شرایط لازم را برای رونق تجارت و دریانوردی و حفظ امنیت دریا و راه‌های دریایی را مهیا کرد. تحت این اقتدار و قدرت ساسانی بود که بندری همچون ریشهر از رونق برخوردار بود. از طرف دیگر پدیده شهرنشینی و صنعت دریانوردی در حاشیه شمالی خلیج فارس یا کرانه‌های ایرانی این خلیج از روزگاران پیش به حضور بندرهای آباد و پررونق و معتبر منجر شد، که توجه همه بازرگانان آن روزگاران را به خود جلب کرد. از جمله این بندرها ریشهر یا ریو اردشیر بود. ریشهر پرکسان به معنای ایستگاه گمرکی خوانده می‌شد؛ و مرکزی برای انبار کالاهای وارداتی و صادراتی از جمله مروارید بود (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۴۶).

بدین ترتیب شکوه مجدد ریشهر در عصر ساسانی تجلی کرد. لنگرگاه و بارانداز ریشهر به‌واسطه عمق آب در اطراف آن سبب ایجاد بندرگاه پرفت و آمدی شد و طبیعی است که آمدورفت کشتی‌ها و مبادله کالا وجود بازارهای پررونق را در این منطقه اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت (حمیدی، ۱۳۷۳: ۲۸). اهمیت این بندر چنان بود، که ریشهر با جاده‌ای به کازرون و شیراز وصل می‌شده و از آن راه کالاهای صادراتی به مناطق دیگر حمل می‌شد. همچنین نزدیکی آن به مرکز استان فارس آنجا را به بندر مهمی تبدیل

۱. منابع عربی - اسلامی هنگام شرح فتوح مسلمانان در نواحی ساحل خلیج فارس، از بندر آباد و فعالی مانند: ابله در جنوب بصره کنونی، ری شهر، مهرابان، سیراف، سینیز، جنابه (گناوه) بر سواحل شمالی خلیج فارس و جواثا در بحرین یاد کرده‌اند؛ (بلاذری، ۹۶، ۲۶۰ - ۲۵۹، ۲۶۳ - ۲۶۲؛ ابن اعمش کوفی، ۵۰؛ ابن بلخی، ۲۷۱).

جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسله ساسانی ۱۸۳/

کرده بود. از طرف دیگر بندرهایی مانند: ریشهر در زمان ساسانیان، باعث شده بود، فارس به مرکز تجاری مهمی بدل شود و نه تنها کالاها به فارس آورده می‌شد، بلکه از آن جا به شهرهای دیگر نیز حمل می‌شد. (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

احتمال می‌رود که بازرگانان ریشهر هم در این دوره همانند بازرگانان سیراف با توجه به اهمیت تجارت خلیج فارس برای ساسانیان بخشی از فعالیت با چین را به عهده داشته باشند. (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). به گونه‌ای که حتی یکی از دلایل رونق سیراف را برخورداری از مسیر راه‌های دریایی نیز با مناطق مختلفی از جمله ریشهر ذکر کرده‌اند. چنانکه ابن خردادبه هم روابط تجاری سیراف را با مناطق مختلف کرانه‌ای خلیج فارس و فواصل کشتیرانی میان آن مناطق ساحلی را نیز بیان نموده است. (ابن خردادبه، ۱۳۷۱، ۴۶-۴۷) وی همچنین بندر سیراف را مرکز بازرگانی بزرگی بیان می‌کند، که در ردیف بندر ریشهر قرار می‌گرفته است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۵۲).

به این ترتیب ریشهر احتمالاً از مراکز مهم بازرگانی بوده، که نه تنها واردات کالا از آن جا به شهرهای داخلی انجام می‌گرفت؛ بلکه توقف گاهی برای کالاهایی بود که از بین‌النهرین به سوی آسیا، و شرق آفریقا و بالعکس روان بودند. چنانکه دریانوردان دریای پارس که محصولات کشاورزی و صنعتی و صنایع ظریفه ساخت ارجان را از راه آسک^۱ و ده ملا (کوره رستاق ساسانی) به بندر ریشهر رسانیده و از آن جا به نواحی اقیانوس هند می‌برده‌اند. (فضلی نژاد، ۱۳۸۶: ۸۷).

منابع تاریخی از محصولات صادراتی ارجان که از طریق ریشهر به نواحی مختلف صادر می‌گردیده، سخن گفته‌اند به‌ویژه محصولاتی مانند شربت خرما (دوشاب)، شیره انگور، روغن زیتون، صابون و انواع مختلف پارچه (اقتداری، ۱۳۷۵: ۲۶۳).

همچنین دریکی از متون جغرافیایی منسوب به موسی خورنی^۲ از این شهر به ریشهری پارسان (ریشهر بندر گمرکی)، مرکز مروریدهای اعلاء یادشده است (وایت هاوس و ویلیامسن، ۱۹۸۷: ۴۲). بنابراین موقعیت مناسب بندری ریشهر و قرار گرفتن آن بر سر راه هندوستان و فاصله متعادل با مناطق حوزه جنوبی خلیج فارس، این بندر را از بدو تأسیس موردنظر بازرگانان، پیشه‌وران قرار داده است، تا آنجا که نه تنها بازرگانان داخلی، بلکه بازرگانان خارجی نیز پیوسته به این بندر رفت‌وآمد داشته‌اند. بنابراین احتمال می‌رود، که رونق بنادر و سواحل خلیج فارس باعث شده بود که اعراب قیس، تمیم و بکر بن وائل در عهد شاپوردوم (۳۰۹ - ۳۷۹ م) به سواحل خلیج فارس حمله نمایند؛ که این حملات حکایت از رونق و آبادانی این مناطق داشته است. (طبری، ۱۳۶۲: ۶۰۴). زیرا که سواحل خلیج فارس و جزایر آن به روایت موسی خورنی، جزئی از استان پارس، سرزمین اصلی ساسانیان به حساب می‌آمده است. همچنین به سال (۴۳۰ میلادی) مقر مطران‌نشین مسیحیان «ریواردشیر» یا ریشهر بوده است. (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۶۳).

درباره پیشینه فرهنگی ریشهر باستان در دوره ساسانیان در قالب تعلیم و تربیت، دانشگاه، خط، موسیقی، کتابت و... دانستنی‌های ما تا دوره ساسانیان فراتر نمی‌رود. این اطلاعات هم در صورتی قابل پذیرش، است که در نقل آنچه می‌گوییم، جانب احتیاط را رعایت نماییم. اما بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و اظهارنظر مورخان عصر اسلامی و مستشرقان غربی و کسانی که درباره تاریخ فرهنگ و علم و دانش در جهان اسلام پژوهش و مطالعه کرده‌اند، تاریخ تأسیس نهادهای فرهنگی و به‌خصوص دانشگاه و مراکز آموزش عالی در استان بوشهر، نه در دوران قاجار، و نه حتی در قرون سوم و چهارم هجری بلکه یکی دو قرن قبل از ظهور اسلام بوده است. شاید در برخورد اول برای بسیاری این مطلب دور از ذهن باشد، که استان بوشهر در دوران ایران باستان دارای دانشگاه و تأسیسات فرهنگی پیشرفته بوده است. بررسی متون تاریخی این ادعا را به‌خوبی به اثبات می‌رساند، که این منطقه باستانی نه تنها دارای یک دانشگاه بلکه دارای دو مرکز آموزش عالی در مناطق «ریواردشیر»، (ریشهر باستان) و سینیز (دیلم) بوده است (یاحسینی، ۱۳۸۶: ۶۷). «ولسی اولیری»، نخستین مورخ و محقق غربی که به وجود دانشگاه در شبه‌جزیره بوشهر و دیلم اذعان

1 Asak

2 Moses of Chorene



کرده است و عمر خود را صرف پژوهش درباره چگونگی و کیفیت انتقال علوم یونانی به دنیای مسلمین و تأثیر این علوم در ساختار فرهنگ مسلمانان کرده است، بر این باور است که در اواخر دوران ساسانیان در سراسر ایران سه دانشگاه وجود داشته است که یکی در جندی شاپور خوزستان و دو تا در استان فعلی بوشهر، یکی در منطقه ریوآردشیر و دیگری در منطقه سینیز قرار داشته است (اولیری، ۱۳۵۵: ۱۱۰).

هرچند می‌دانیم که در عصر ساسانیان تعلیم و تربیت عمومی نبوده و تنها در انحصار قشر خاصی بوده است. اغلب قریب به اتفاق مردم شهری و روستایی بی‌سواد بودند. در هر منطقه تعداد افرادی که با خط و کتابت پهلوی سروکار داشتند بسیار نادر بوده است (دریایی، ۱۳۸۳: ۵۲). لذا طبیعی است، که چنین وضعی بر ریشهر نیز حاکم بوده باشد؛ اما اسلام که به جنوب ایران و ریشهر راه یافت، وضع اندکی دگرگون شد.

ابواسحاق ابراهیم اصطخری مؤلف «المسالک و الممالک» درباره خط و زبان‌های رایج در پارس و مناطق ساحلی کرانه‌های شمالی خلیج فارس نوشته است: «مردمان گرمسیر [...] و ایشان را سه زبان است: پارسی که با یکدیگر گویند، و اگرچه در ناصیت‌ها تفاوتی باشد، همه یکسان بود، همه پارسی، زبان یکدیگر بدانند و لغت پوشیده نماند. زبان پهلوی [...] آن را به تفسیر حاجت بود، و زبان تازی [عربی] - کی امروز در دیوان‌های پادشاهان، مکاتبات و معاملات به تازی است - آموختند.» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۲۰).

ذبیح‌الله صفا به نقل از «یاقوت حموی» در خصوص رواج خط درری شهر پیش از اسلام می‌نویسد:

«در آنجا عده‌ای از دانشمندان گردآمده بودند و با خطی به نام «گستج» مطالبی در طب و نجوم و علوم غریبه تدوین می‌کنند... بیت اردشیر یا ریوآردشیر (ریشهر) یکی از مراکز مهم علوم عقلی در ایران پیش از اسلام بود و «معنا بیت اردشیری معروف به معنی ایرانی در آن ریاست داشت... تعلیم علوم یونانی در حوزه دینی ریشهر رواج یافت، و به همین سبب است که در روایات مولفان اسلامی راجع به اهمیت علمی ریشهر مطالبی می‌یابیم» (صفا، ۱۳۵۱: ۹۷/۱).

افول اهمیت و شکوفایی بندر ریشهر

به دنبال ورود اسلام به ایران، سپاهیان عرب شهر مهم و استراتژیک «ریشهر» یا «راشهر» را فتح کردند. در این نبرد «شهرک» فرمانده ساسانی فارس و پسرش کشته شدند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۷۲). شدت این جنگ و مقاومت مردم این ناحیه چنان بود که برخی از مورخان مسلمان اهمیت سقوط ریشهر، و فتح آن را برابر با فتح قادسیه دانسته‌اند (طبری، ۲، ۱۳۶۲/۲۰۰۹؛ بلا ذری، ۱۳۴۶: ۵۴۰). پس از این پیروزی که به دنبال جنگی شدید به دست آمد (حموی، ۱۹۷۷: ۱۱۳/۳)، شهرها و مناطق دیگر، یکی پس از دیگری فتح شد. از این رو شاید بتوان گفت که فتح ریشهر یکی از راه‌های مهم ورود اسلام به ایران بود، چرا که پس از آن تمام مملکت فارس و سواحل خلیج ایران تا سال (۲۳ هجری) به تصرف اعراب درآمد. پس از فتح ریشهر توسط سپاه اعراب مسلمان در منابع ذکری از فعال بودن این جزیره نشده است. در منابع مورخان اسلامی نام ریشهر گاه به صورت معرب به عنوان «ریضهر» اشاره شده و گاه نیز آن را به عنوان «راشهر» ضبط کردند. چنانکه بلاذری در مورد چنین آورده است:

«آمدن اعراب به فارس بر شهرک مرزبان و والی فارس گران آمد؛ و دشوار افتاد و خبر دلیری ایشان و پیروزی آنان بر هر دشمنی که سر راهشان بوده است، به سمع وی رسید و سپاهی عظیم گردآورد و برفت تا به راشهر از سرزمین شاپور رسید که نزدیک توج است... خداوند مشرکان را هزیمت کرد و راشهر به عنوه گشوده شد» (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۵۸).

حمدالله مستوفی نیز در نزه القلوب در باب «ریضهر» یا ریشهر نوشته است: «ریضهر - پارسیان آن را ریشهر خوانند و بر بیان معروف است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۰). به لحاظ تاریخی ذکر این نکته لازم است، که از وضعیت ریشهر پس از فتح آن به دست مسلمانان تا احیای دوباره آن در دوره نادرشاه افشار اطلاعات بسیار اندکی در منابع به چشم می‌خورد. چنانکه اغلب

جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسله ساسانی / ۱۸۵

جغرافی‌نویسان مسلمان تنها به ذکر نام این بندر و جایگاه جغرافیایی آن (حدود العالم، ۱۹۷۰: ۱۴۶) و یا ماجرای فتح آن توسط مسلمانان بسنده کرده‌اند (حموی، ۱۹۷۷: ۱۱۳/۳). گاه نیز در منابع اسلامی قرون اولیه اسلامی هیچ نام و نشانی از این بندر مهم دوره ساسانی به چشم نمی‌خورد. چنانکه حتی قدامه بن جعفر، که خود اهل بصره بوده و شناخت کاملی از شهرها و بنادر خلیج فارس داشته و در حوالی سال (۳۲۷ هـ.ق/ ۹۳۹ م) در گذشته است، در کتاب معروف خود به نام «کتاب الخراج» اگرچه نام ابر شهر را در ناحیه‌ای از خراسان برده است، اما هیچ اشاره‌ای به این نام در سواحل و بنادر شمالی خلیج فارس نکرده است (ابن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۴۱). اهمیت این مسئله از این روست که کتاب قدامه بن جعفر، یک کتاب رسمی برای اخذ خراج توسط دولت و خلافت عباسی بوده است، و ظاهراً کلیه مطالب خود را از آرشیوهای دولتی عباسیان به دست آورده است. به نظر می‌رسد که شدت تهاجم و ضربه‌ای که مسلمانان در جریان فتح ریشهر به این شهر باستانی وارد کردند چنان سنگین بود که موجب شد تا ریشهر مرکزیت و اهمیت خود را برای چندین قرن از دست بدهد و به شهری متروک و منزوی مبدل شود (مشایخی، ۱۳۸۲: ۲۱). به نظر می‌رسد حمله اعراب مسلمان و به دنبال آن خالی شدن این منطقه از سکنه به جهت جنگ و ویرانی و شیوع امراض از جمله عواملی بود که موجب متروک شدن ریشهر پس از فتح این شهر توسط اعراب شد. پس از آن نیز عواملی چون عدم توجه اعراب مسلمان به اهمیت اقتصادی و تجاری این ناحیه و جنگ‌های متعدد حکام محلی در ناحیه خلیج فارس موجب افول و نزول جایگاه بندر ریشهر شد.

نتیجه گیری

خلیج فارس بنا به دلایل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و نظامی همواره مورد نظر جنگجویان و کشورگشایان جهان قرار گرفته است. بر همین اساس از روزگار باستان سواحل و بنادر آن مورد توجه همه حکومت‌هایی که در ایران بر سر کار آمده‌اند، بوده است. یکی از این بنادر، بندر باستانی و تاریخی ریشهر با سابقه‌ای بس طولانی می‌باشد. به گونه‌ای که پیشینه جغرافیای تاریخی آن به دوره عیلام و ایران باستان بازمی‌گردد. این منطقه از قدیم‌ترین ایام نام‌های گوناگونی داشته است. در دوره عیلام این ناحیه «لیان» خوانده شده و در روزگار هخامنشیان «ریشا» و سپس در دوره سلوکیان «انطاکیه پارس»، در عصر ساسانی «ریشهر» خوانده می‌شد. در زمان سلسله عیلام پل ارتباطی عیلام با نواحی اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا بوده است. این رونق در زمان هخامنشیان ادامه می‌یابد؛ چراکه ساخت چندین کاخ در ناحیه توج نزدیک ریشهر توسط پادشاهان هخامنشی برای احاطه آن‌ها بر خلیج فارس بیانگر اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ریشهر در آن زمان می‌باشد. این جایگاه به روزگار ساسانیان به اوج می‌رسد. زیرا ریشهر به عنوان یک بندر استراتژیکی و ترانزیتی هم در مسیر راه‌آبی ابریشم و هم در مسیر هند قرار داشته، که موجب شده از نقش باراندازی مهمی در داخل و خارج برخوردار باشد، و همچنین از مراکز مهم صدور مروارید و کالا به هندوستان و آفریقا به شمار می‌رفته است. با سقوط ساسانیان و فتح ایران به دست آمده اعراب مسلمان، بندر ریشهر طی یک نبرد خونین و سخت به تصرف آن‌ها درآمد و با این هجوم، این بندر رو به انحطاط و نابودی گذاشت. ضربه‌ای که اعراب مسلمان، به این شهر وارد آوردند، موجب شد، تا ریشهر مرکزیت و اهمیت خود را برای چندین قرن از دست بدهد و به شهری متروک و منزوی مبدل گردد.

منابع و مآخذ

- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۸۶)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، فارسنامه، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز بنیاد فارس شناسی، چاپ اول.
- ابن جعفر، قدامه (۱۳۷۰)، الخراج، ترجمه و تحقیق دکتر حسین قره چانلو، تهران، نشر البرز، چاپ اول.
- ابن خردادبه (۱۳۷۱)، مسالک و الممالک، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه ای از آندرومیکل، تهران، انتشارات میراث ملل.
- اتابک زاده، سروش (۱۳۷۳)، جایگاه دشتستان در سرزمین ایران، به نقل از عبدالکریم مشایخی، شیراز، انتشارات نوید، چاپ اول.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۷)، مسالک و الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۱)، درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان (تاریخ اشکانیان)، به کوشش نعمت احمدی، تهران، انتشارات اطلس، چاپ اول.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲)، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی، تهران، انتشارات صدیقی.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۴)، خلیج فارس، تهران: انتشارات ابن سینا، چاپ اول.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۸)، آثار شهرهای باستانی ایران (سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان)، تهران، انتشارات دانشگاه انجمن آثار ملی، چاپ اول.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۵)، خوزستان و کهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی و آثار باستانی، تهران، مؤسسه فرهنگی آبان، چاپ دوم.
- اکبری، حسن (۱۳۸۱)، ایلام و ایلامی ها، مجله باستان پژوهی، شماره ۹.
- امام شوشتری، سید محمدعلی (۱۳۶۹)، منابع اقتصادی در خلیج فارس (مجموعه مقالات خلیج فارس)، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
- آمیه، پیر (۱۳۸۴)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد پنجم، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- اولیری، ولیسی (۱۳۵۵)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
- بریان، پی (۱۳۷۹)، تاریخ امپراطوری هخامنشیان، ترجمه مهدی سمسار، جلد دوم، تهران، انتشارات زریاب، چاپ سوم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه آذرتاش آذر نوش، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه و مقدمه و تحشیه دکتر محمد توکل، تهران، انتشارات نشر قطره، چاپ اول.
- بویس، مری (۱۳۷۴)، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، جلد اول، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- پزار، موریس (۱۳۸۴)، مأموریت در بندر بوشهر (گزارش حفاری ها و مطالعات باستان شناسی)، ترجمه سید ضیاء مصلح، توضیحات و تعلیقات غلامحسین نظامی، بوشهر، انتشارات شروع، چاپ اول.
- پیرنیا، حسن (۱۳۶۹)، ایران باستان، جلد اول، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ چهارم.
- حدود العالم من المشرق و المغرب (۱۹۷۰)، بی جا، دارالثقافیه.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۷۳)، خلیج فارس شاهراه تجارت شرق و غرب، مجله سیراف فصلنامه علمی - آموزشی و تربیتی، بهار.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۸۰)، فرهنگ نامه بوشهر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۸۴)، استان زیبای بوشهر، بوشهر: انتشارات شروع، چاپ اول.
- داندامایف، م.ا (۱۳۵۸)، تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، ترجمه میر کمال نبی پور، تهران، نشر گسترده.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- دریایی، تورج (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۸۲)، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسله ساسانی ۱۸۷/

- راثین، اسماعیل (۱۹۷۸)، دریانوردی ایرانیان، جلد اول، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول.
- رکن زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۶۹)، اوضاع اجتماعی خلیج فارس، مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
- سرفراز، علی اکبر (۱۳۸۱)، اکتشافات اخیر باستان‌شناسی در حاشیه خلیج فارس، بوشهر، سالنامه میراث لیان، اردیبهشت.
- سرفراز، علی اکبر (۱۳۸۳)، اهمیت تاریخی چرخاب برازجان، بوشهر، سالنامه میراث لیان، اردیبهشت.
- صفا، ذبیح ... (۱۳۵۱)، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، تهران انتشارات ابن سینا.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳)، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد پنجم، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ سوم.
- فضل‌نژاد، احمد (۱۳۸۶)، روابط تاریخی ارجان (بهبهان) با بنادر خلیج فارس، پژوهشنامه خلیج فارس، جلد دوم، بی‌جا، بی‌نا.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۰)، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ اول.
- کامرون، جورج (۱۳۶۵)، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- کیان راد، حسین، بابایی درمتی، علی (۱۳۸۶)، سفرنامه نثارخوس، پژوهش خلیج فارس شناسی ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، جلد دوم، تهران.
- گریشمن، رومن (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.
- مارکوارت، پروفیسور یوزف (۱۳۸۳)، ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه دکتر مریم میر احمدی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ اول.
- مجید زاده، یوسف (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، انتشارات مرکز دانشگاهی، چاپ اول.
- مستوفی، احمد (بی‌تا)، سفر دریایی نثارخوس در سواحل عمان و خلیج فارس، مجله دانشکده ادبیات، جلد سوم، شماره ۴.
- مستوفی، حمدا... (۱۳۶۲)، نزهت القلوب، به تصحیح گای لیسترانچ، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۲)، عیسویان در بوشهر، بوشهر، انتشارات بوشهر.
- معین، محمد (۱۳۷۴)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.
- منشی، اسکندر بیگ (۱۳۷۷)، عالم‌آرای عباسی، تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم.
- میر فتحاح، سید علی اصغر (۱۳۷۴)، گورستان شغاب عرضه داشت در هوای آزاد و دفن به شیوه استخوان دان، مجله اثر، شماره ۲۵.
- نبی پور، ایرج (۱۳۷۹)، بوشهر حلقه گمشده تاریخ دریانوردی اشکانیان، هفته‌نامه نسیم جنوب، سال سوم، شماره ۱۲۷، بهمن‌ماه.
- نبی پور، ایرج (۱۳۸۲)، در ژرفای دریانوردی ایرانیان، سالنامه میراث لیان، اردیبهشت.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱)، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروز نیا، ویراسته منصوره کاویانی، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- وایت هاوس، دیوید و اندرو ویلیامسن (۱۹۷۷)، بازرگانی دریایی ساسانیان، ترجمه اسدا... ملکیان، تهران، کشتیرانی آریا.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۷)، خلیج فارس فرهنگ و تمدن، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول.
- ویلسون، سر آرنولد (۱۳۴۸)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
- یا حسینی، سید قاسم (۱۳۸۶)، سرنوشت غم‌انگیز اولین کتابخانه بوشهر و کتابخانه لیان، هفته‌نامه نسیم جنوب، شماره ۳۶۲.
- یاحسینی، سید قاسم (۱۳۸۷)، نام‌های بندر بوشهر در تاریخ، تهران، انتشارات طلوع دانش، چاپ اول.
- یار شاطر، احسان (۱۳۶۸)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (کیمبریج)، ترجمه حسن انوشه، قسمت اول، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۷۷)، معجم البلدان، جلد سوم، بیروت، دارصار.